

درآمدی بر کتاب التدوین فی ذکراهل العلم بقزوین

نوشته: رافعی قزوینی

محبوب الزویری

به نظر می‌رسد که رافعی قزوینی در زمان خود شخصیت برجسته‌ای بوده و در قزوین مجلس تفسیر و حدیث داشته است.^۱ او همچنین کتابهای معروفی به ویژه در حوزه فقه و تاریخ نگاشته است. از کتابهای فقهی او می‌توان موارد زیر را نام برد:

۱. شرح کبیر (العزیز) که شرحی بر کتاب «وجیز» نوشته امام غزالی می‌باشد، ۲. فتح العزیز فی شرح الوجیز، ۳. الشرح الصغیر، ۴. المحرر، ۵. شرح مستندالشافعی، ۶. التذنیبه ۷. الامالی الشارحه علی مفردات الفاتحه (سی مجلس درباره احادیثی که از استادان خود نقل کرده و مربوط به سوره فاتحه می‌باشد)،^۵ ۸. المحمود فی الفقه، در هشت جلد، درباره نماز.^۶

اما کتابهای تاریخی او عبارتند از:

۱. الایجاز فی اخطار الحجاز، درباره خاطرات او در سفر حج^۷،
۲. التدوین فی ذکر اهل العلم بقزوین که پیرامون آن در قسمت دوم مقاله به تفصیل سخن خواهیم گفت.^۸

رافعی قزوینی، غیر از سفر حج، به مسافرت دیگری نیز اشاره کرده است که سفر به شهر ری می‌باشد اما درباره آن توضیحات مهمی ذکر نکرده است.

درباره زندگی سیاسی رافعی باید گفت که وی در دوران چهار خلیفه عباسی زیسته است که عبارتند از: المستنجد بالله ابوالمظفر (۵۵۵ - ۵۶۶ ق)، المستضی بالله ابومحمد (۵۶۶ - ۵۷۵ ق)، الناصرالدین الله ابوالعباس (۵۷۵ - ۶۲۲ ق) و الظاهر بالله ابوالنصر (۶۲۲ - ۶۲۳ ق).

خواندمیر در کتاب خود اشاره می‌کند که رافعی قزوینی با «ظاهر» (الظاهر بالله) معاصر بوده است.^۹ همچنین در کتاب طبقات شافیه به دیدار او با جلال‌الدین خوارزم شاه اشاره شده است. سبکی می‌گوید، هنگامی که جلال‌الدین خوارزمشاه از قزوین عبور می‌کرده، رافعی به دیدار او رفت تا از او به خاطر جنگش علیه کفر قدردانی کند و دست جلال‌الدین را ببوسد، ولی جلال‌الدین به وی اجازه نداد و خود دست رافعی را بوسید.^{۱۰}

به نظر می‌رسد که وی برای خلافت عباسیان احترام قائل بوده ولی با این همه تا حدی از هر گونه فعالیت سیاسی دوری می‌گزیده است.

رافعی قزوینی به شعر فارسی علاقمند بوده است. در حبیب السیر چنین آمده «[رافعی قزوینی] به نظم اشعار مشغول می‌نمود.» این رباعی از جمله منظومات اوست:

در جامه صوف بسته ز نار چه سود

در صومعه رفته دل به بازار چه سود

ز آزار کسان راحت خود می‌طلبی

یکراحت و صد هزار آزار چه سود^{۱۱}

در کتاب تاریخ گزیده نیز نمونه‌هایی از اشعار او ذکر گردیده است:

التدوین فی أخبار قزوین

المجلد الرابع

للمؤرخ الكبير
عبدالكريم بن محمد الراجعي القزويني

من اعلام القرن الثامن

صسط فضه وحقق منه

الشيخ عزيز الله العطاردي

تأليف

مطبعة

تأليف

تأليف

تأليف

تأليف

تأليف

تأليف

تأليف

تأليف

تأليف

تأليف

مقدمه

کتاب التدوین فی ذکر اهل العلم بقزوین به دلیل آنکه اولین کتاب و شاید تنها کتابی است که به طور مستقل به نگارش تاریخ شهر قزوین و رجال آن تا سال ۶۲۰ ه. پرداخته، اهمیت ویژه‌ای دارد. رافعی قزوینی، مؤلف کتاب، توجه زیادی به ذکر اطلاعات مهم پیرامون تاریخ این شهر داشته است، شهری که به عنوان یک شهر مرزی اسلامی در تاریخ ایران بعد از اسلام رونق گرفت و جایگاه آن بعد از اینکه صفویان آنرا به عنوان پایتخت خود برگزیدند، ارتقاء یافت.

در این مقاله نویسنده سعی در معرفی این کتاب و خصایص آن به‌ویژه برای خوانندگان فارسی زبان دارد، زیرا این کتاب به عربی نگاشته شده و نگارنده مقاله با استفاده از همان اسمی که مؤلف کتاب به کار برده (التدوین فی ذکر اهل العلم بقزوین) کوشش می‌کند که شخصیت رافعی قزوینی، زندگی شخصی و حیات علمی او را توضیح دهد. و سپس به ویژگیهای کتاب، و نیز محتویات آن شامل اخبار شیعه، صوفیان، و کلمات فارسی آن و نیز به تاثیر این کتاب بر کتاب تاریخ گزیده بپردازد.

شایان ذکر است که این مقاله بعد از مطالعه کتاب التدوین که توسط شیخ عزیزالله عطاردی تصحیح شده و در بیروت در سال ۱۹۸۷ م. و تهران در سال ۱۳۷۶ ش به چاپ رسیده انجام شده است.

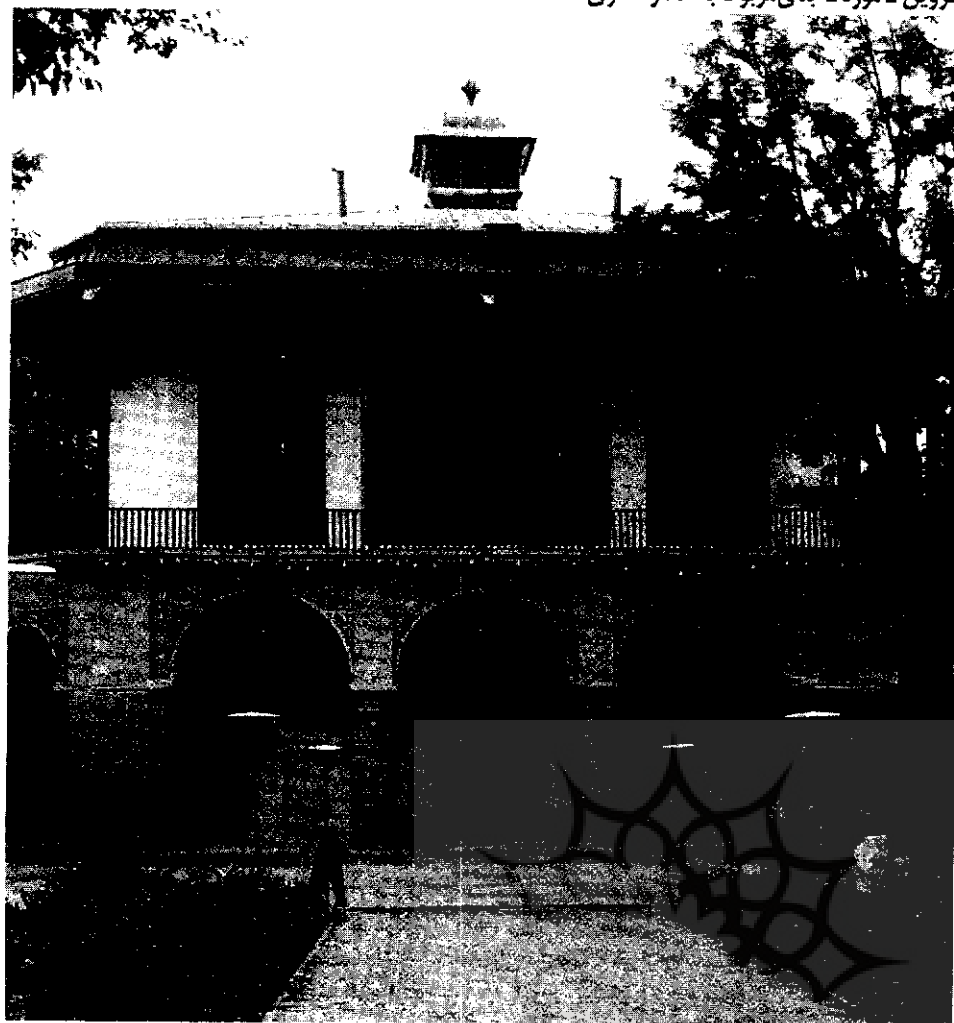
بدون شک این تلاش خالی از نقص و اشکال نیست، ولی با این همه راه را برای پژوهشهای جدی‌تر و عمیق‌تر درخصوص این کتاب و رجال آن هموار می‌کند.

معرفی مؤلف

عبدالکریم بن محمد بن عبدالکریم بن الفضل بن الحسن الراجعی القزوينی، فقیه و محدث و از بزرگان مذهب شافعی است که در قزوین به سال ۵۵۷ ق/ ۱۱۶۲ م متولد شده و با رافع بن خدیج صحابی نسبت داشته است.^۱

پدرش محمد بن عبدالکریم بن الفضل بن الحسن بن الحسن بن رافع ابوالفضل الراجعی قزوینی، از علمای قرن ششم هجری به شمار می‌رود. او بهترین معلم برای پسرش بوده است که درباره آن به تفصیل سخن خواهیم گفت.^۲

مؤلف در کتاب خود - التدوین - نقل می‌کند که: رافعیه از اولاد عرب بودند. که بعدها دو تن از اعیان آنان در ایران مستقر شدند یکی بنام رافع یا ابورافع در قزوین سکونت گزیده و دیگری به همدان رفته است.^۳ حمدالله مستوفی با تاکید بر این امر می‌گوید: «رافعان اصلشان از عرب است. از نسل رافع بن خدیج انصاری، در عهد خلفا ماتقدم به قزوین آمده‌اند، و ساکن شده‌اند.^۴ پدر رافعی در ترقی شخصیت علمی او به همراه برادرانش محمد و عبدالرحمن، نقشی مهم داشته است.^۵ رافعی قزوینی در این کتاب بیش از صد صفحه را به سخن درباره پدرش اختصاص



رخت دلم هرچه بود عشق به غارت ببرد
صبر نه راهی است خوار عشق نه کاری است خرد
هر که به میدان عشق گام نهد کام یافت
هر که در ایوان صبر پای نهد دست برد
بار جفاهای دوست کوه نداند کشید
حلقه زلفین یار باد نیارد شمرد
وصل شد و هجر ماند، آه که در باغ عشق
خار به پیری رسید گل به جوانی بمیرد^{۳۲}

همچنین وی درباره طلب علم می گوید:
طلب کردن علم از آن است فرض
که بی علم کس را به حق راه نیست
کسی ننگ دارد ز آموختن
که از ننگ نادانی آگاه نیست^{۳۳}

رافعی قزوینی بعد از شصت و شش سال زندگی سرشار از جهد و علم دوستی در سال ۶۲۳ هـ / ۱۲۶۶ م در قزوین دار فانی را وداع گفت^{۳۴}

○ معرفی کتاب

کتاب التذوین فی ذکر اهل العلم بقزوین قدیمی ترین کتابیست که درباره تاریخ محلی و رجال قزوین بدست ما رسیده است. نویسنده کتاب در مقدمه خود نکات مهمی را مطرح می کند. وی معتقد است که کتابهای تاریخی دو نوعند:
اول: کتابهایی که شامل اخبار ملوک، پادشاهان، سادات، غزوات، فتوح، زلزله ها، احوال بزرگان، ملل و نحل و غیره می گردد.
دوم: کتابهایی که در مورد احوال اهل علم و صاحبان قلم و راویان و روایات و قضات نوشته می شود. به عقیده وی نوع اخیر، خود شامل دو دسته می باشد:

الف. کتابهای عمومی: مانند تاریخ احمد بن حنبل، تاریخ بخاری، جرح و تعدیل ابن ابی حاتم و غیره.

ب. کتابهای اقلیمی (منطقه ای): مانند کتاب تاریخ بغداد، الخطیب البغدادی... تاریخ مصر، ابن سعد بن یونس... تاریخ واسط، اسلم بن سهل... تاریخ اصفهان، ابی بکر بن مردویه... تاریخ همدان، صالح بن احمد... تاریخ هرات، ابی اسحاق بن معین... تاریخ بلخ، ابی اسحاق المستعلی و دیگران... تاریخ مرو، عباس بن مصعب احمد بن سیار... تاریخ بخارا، ابی عبدالله غنچاء... تاریخ سمرقند، ابی سعد الادریسی.^{۳۵}

از این مقدمه می توان به دو نکته مهم دست یافت:

۱. دیدگاه رافعی درباره علم تاریخ؛ که دور از دایره حدیث نیست، اما بسیار روشن است. به گمان نگارنده، وی دو تعریف درباره کتابهای تاریخی دارد: یکی، کتابهایی که به رخدادهای پرتازند و دیگر، کتابهایی که به شرح حال رجال و فعالیت های آنان توجه

در این مقاله نویسنده سعی در معرفی این کتاب و خصایص آن، به ویژه برای خوانندگان فارسی زبان دارد، زیرا این کتاب به عربی نگاشته شده و نگارنده مقاله کوشش می کند که شخصیت رافعی قزوینی، زندگی شخصی و حیات علمی او را توضیح دهد و سپس به ویژگی های کتاب و نیز محتویات آن شامل اخبار شیعه، صوفیان و کلمات فارسی آن و نیز به تاثیر این کتاب بر کتاب تاریخ گزیده بپردازد

عبدالکریم بن محمد بن عبدالکریم بن الفضل بن الحسن الرافعی القزوینی، فقیه و محدث و از بزرگان مذهب شافعی است که در قزوین به سال ۵۵۷ ق / ۱۱۶۲ م. متولد شده و با رافع بن خدیج صحابی نسبت داشته است

که از قزوین و اطراف آن عبور می کردند یا در آن سکونت داشتند. اخبار آنها را همراه با سیر و حرفهای آنان ذکر کرده و آن را «التذوین فی ذکر اهل العلم بقزوین» نامیدیم.^{۳۸}

رافعی روش خود در نوشتن کتاب را چنین بیان می کند: «براساس شنیده هایم از اساتید و علما و نیز نوشته های مختلف شرح حال آنان را می نویسم.»^{۳۹} لذا نباید تصور کنیم که کتاب حالت نقادی دارد.

ساختار کتاب نیز از این قرار است:

فصل اول: در فضایل قزوین و خصائص آن.

فصل دوم: درباره نام قزوین

فصل سوم: کیفیت بنای شهر و فتح آن به دست مسلمانان.

فصل چهارم: پیرامون نواحی و وادیها و رودخانه ها و قنوات و مساجد و مقابر آن و سپس شرح حال اصحاب و تابعین و علمای

۳. روشن است که وی طرفدار نوع دوم کتابهای تاریخی است که درخصوص یک شهر نگاشته می شود. لذا صریحاً می گوید: «از این نوع کتابها درباره قزوین پیدا نکردم، به جز کتاب مختصر که حافظ بن عبدالله نوشته و آن ناقص و خالی از معرفی رجال شهر در ادوار مختلف تاریخی آن شهر است.»^{۳۶} همچنین وی اشاره می کند که هبة الله بن زاذان سعی کرد که کتابی درباره اخبار قزوین بنویسد.^{۳۷} لذا به گمان نگارنده، رافعی قزوینی از نوشته هایی که در دستش بوده، استفاده برده است.

وی درباره علت اصلی تالیف این کتاب می گوید: «چون کتابی درباره اهل قزوین ندیدم، تصمیم گرفتم اخبار شهر و ساکنانش را جمع آوری کنم...» لذا این کتاب شامل شرح حال مشهورترین و معمولی ترین اهل علم و طلاب قزوین و همچنین کسانی است

شهر^{۳۰}.

نویسنده «هنودر» یا «باب الجنة قزوین» در این باره می‌گوید: «او (رافعی قزوینی) به شرح حال علما و فضلا و راولیان و محدثین و واعظ و قراء و ادبا و کلیه بزرگانی که برای غزوه یا زیارت و یا سیاحت و اقامت به قزوین آمدناده و همچنین قاطبه دانشمندان و فضلا و محدثین خود قزوین را کلاً به ترتیب حروف هجا پرناخته است.»^{۳۱} بر این اساس می‌توان گفت که موضوع اصلی کتاب التنونین علم رجال می‌باشد. وی شرح حال سه هزار و چهارصد و سی و چهار تن از رجال را ذکر کرده و به اطلاعات مختلفی مانند سال تولد، سال وفات، نوشته‌های آنان (اگر دارند)، استاذهای و غیره اشاره کرده است. ولی در اینجا باید به نکته‌ای مهم اشاره شود و آن اینکه درجه صحت و سقم اطلاعات کتاب چه میزان است؟ در واقع این مسأله بسیار دشوار است و باید به کتابهایی غیر از آن مراجعه شود. منابع کتاب رافعی زیاد و گوناگون است و رافعی در آن از بیش از چهارصد و بیست کتاب نقل می‌کند.^{۳۲} این کتابها علاوه بر دست نوشته‌ها، اسناد حکومتی و نوشته‌های خصوصی، گفته‌ها و شنیده‌ها، شامل کتابهای فقه، تاریخ، حدیث، تفسیر، علم رجال و... می‌باشد.

اطلاعات کتاب با شرح حال رجال تا سال ۶۱۸ به پایان می‌رسد و براساس اطلاعات موجود آخرین شرح حال به برادرش، عبدالرحمن بن محمد بن عبدالکریم رافعی قزوینی، متوفی سال ۶۱۵ اختصاص دارد.^{۳۳} ولی نگارنده مقاله بعد از مطالعه دقیق دریافت که وی آخرین شرح حال را به داوود شاه بنار بن ابراهیم ابوالخیر الجلیلی الرشتی (الگیلانی) که در سال ۶۱۸ در گذشته^{۳۴}، اختصاص داده است.

رافعی قزوینی در کتاب خود به چند زن نیز اشاره کرده است که عبارتند از:

۱. ام‌التخیر قاطمه بنت علی البغدادی که کتاب «الاربعین» نوشته ابوالعباس الحسن بن سفیان التوسوی را روایت کرده است.^{۳۵}
 دوم: ملکه بنت الامام ابی الفرج محمد بن محمود قزوینی که یکی از اساتید علی بن عبیدالله بن الحسن بن الحسن بن بابویه^{۳۶} بوده است.

سوم: فاطمه بنت الاستاذ ابی علی الدقاق که پدر رافعی قزوینی از آن محدث زن قسمت آخر کتاب مسند ابوعوانه الاسفرائینی را شنیده است.^{۳۷}

چهارم: ام‌الشمس مبارکه بنت ابی الفضل بن ماشانه پنجم: ام‌الضیاء لامعه بنت الحسن بن احمد الوراق، که رافعی قزوینی به روایت این دو زن (ام‌الشمس و ام‌الضیاء) اربعین ابو عبدالله تقفی را خوانده است.^{۳۸}

○ «التنونین» و اخبار شیعه

رافعی قزوینی در کتاب خود همچنین شرح حال چند تن از رجال شیعی را آورده که عبارتند از:

محمد بن احمد محمد ابوطاهر بن ابی علی جعفری (۱۹۸/۱)، محمد ابن امیرکا ابن ابی اللحیم عجللی، ابوجعفر قزوینی (۱/ ۲۲۸، ۲۲۹)، سید اسماعیل بن علی بن محمد جعفری (۱/ ۲۳۰)، محمد بن ابی حرب بن محمد حسینی ابوجعفر (۱/ ۲۴۵)، محمد بن الحسن بن محمد بن زید بن محمد بن الحسن بن موسی بن جعفر بن محمد بن علی بن الحسن بن علی بن ابی‌طالب (ع) (۲۵۴/۱)، محمد بن حمزه بن محمد بن احمد بن جعفر بن محمد بن زید بن علی بن الحسن بن ابی‌طالب (ع) (۲۷۴)، محمد بن زید جعفری ابوالحسن (۲۹۳/۱)، محمد بن هادی بن مهدی حسینی ابوعبدالله شریف (۴۱/۲)، مظفر بن علی حمدانی قزوینی (از شیخ مفید روایت کرده) (۴۱/۲)، احمد بن کثیر ابوجعفر الدینوری (۲۲۲/۲)، اسماعیل بن عباس بن العباس ابوالقاسم

الصاحب الجلیل (۲۹۳/۲ - ۲۹۵)، جعفر بن الحسن بن علی بن محمد دیباج بن جعفر بن محمد بن علی بن الحسن بن علی بن ابی‌طالب (ع) (۳۷۷/۲)، علی بن احمد بن موسی بن جعفر بن ابراهیم بن جعفر بن ابراهیم بن محمد بن علی بن عبدالله بن جعفر بن ابی‌طالب (عالم امامیه در عصر اوست) (۳۳۴/۲)، علی بن عبیدالله بن الحسن بن الحسن بن بابویه (۳۷۲/۲ - ۳۷۷/۲)، علی بن موسی بن جعفر بن محمد بن علی بن الحسن بن علی بن ابی‌طالب از ائمه اهل بیت و سادات آن (۴۲۵/۳)، مظفر بن علی بن الحسن همنانی، ابوالفرج قزوینی از شیوخ امامیه (۱۰۰/۴) علاوه بر شرح حال آنان وی به قبرستان علویان یا شیعه که در قزوین وجود داشت^{۳۹} و همچنین به ناحیه‌ای بنام زهرا اشاره می‌کند و می‌گوید که اکثر اهلبا من الشیعه (بیشتر ساکنانش شیعه هستند)^{۴۰}

وی همچنین به داستانی اشاره می‌کند درباره‌ی مرد غریبی که از اطراف یکی از روستاهای قزوین که اغلب ساکنانش شیعه بودند عبور می‌کرد...^{۴۱}

از شرح حال رجال شیعی می‌توان دریافت که رافعی تعصب مذهبی نداشته است ولی دو اشاره در کتاب وجود دارد که خود را نشان می‌دهد: اول در مورد صاحب بن عباد است.^{۴۲}

دوم، در مورد ابن بابویه می‌نویسد: «کان ابن بابویه ینسب الی الشیخ و قد کان ذلک فی آبیانه و اصلیم من قم ولکنی وجدت الشیخ یبداً آمنه و کان یتبع فضائل الصحابه و یوثر روایتها»^{۴۳} ابن بابویه از جانب پدراش که اصلشان از قم بود، به تشیع منتسب بود ولی من او را به دور از آن یافتم چه او از فضایل صحابه پیروی می‌نمود و روایتشان را ترجیح می‌داد.

قابل ذکر است که شیخ عزیرالله عطاردی (محقق کتاب رافعی) این دو اشاره را ناشی از تعصب او می‌داند^{۴۴} ولی به اعتقاد نگارنده با نگاه به شرح حال رجال شیعه و حرف رافعی درباره آنان (اگر از نظر تاریخی صحیح باشد) می‌توان دریافت که موضع او کاملاً رسمی و حکومتی بوده زیرا می‌دانیم که بعد از متوکل، معتزله و شیعه مورد آزار و اذیت قرار گرفته بودند.

○ «التنونین» و اخبار صوفیان

شرح حال مشایخ منصوفه در کتاب التنونین قابل ملاحظه است و در واقع دلیل توضیح‌دهنده درباره توجه به این مسأله در دست نیست. ولی به گمان نگارنده، نقش پدر رافعی که طرفدار صوفیان بوده و به خانقاه صوفیان آمد و شد داشته و پوشیدن خرجه و زهد نفس او، در این امر بی‌تأثیر نبوده است^{۴۵} به علاوه صوفیان در جامعه به دلیل ضعف سیاسی دستگاه خلافت و به تبع آن مشکلات داخلی‌ای که بوجود آمده بود، نفوذ داشتند.

در کتاب علاوه بر ذکر نام کتاب‌های صوفیه و تکرار واژه خانقاه، بیشتر از صد و ده شرح حال وجود دارد.^{۴۶}

○ واژه‌های فارسی

در لابه‌لای متن عربی کتاب التنونین، تعدادی واژه‌های فارسی به چشم می‌خورد که عبارتند از:

گاه دان: ۴۳/۱
 دهک: ۴۱/۱
 بابک: ۲۸/۱
 مارستان: ۵۶/۱
 ماه: ۱۱۲/۱
 خوب کار: ۱۷۶/۱
 خنا نوست: ۲۸۶، ۱۷۸/۱
 کوچک: ۳۷۲/۲، ۱۸۱/۱

خداداد: ۱۸۵/۱
 خانقاه: ۱۸۶/۱
 سلار (سلار): ۱۸۶/۱
 خاموش: ۱۸۹/۱
 دهخدا: ۲۴۶/۱
 ندیم و ندانم هزار سالی: ۲۵۲/۱
 رش انکوران: ۲۵۸/۱
 یزد ایار: ۲۶۶/۱
 زافان: ۲۷۴/۱، ۳۲/۲۲/۳
 آزاد مرد: ۴۵۷/۱
 قهتدز (کهن دز): ۴۷۳/۱
 روزبه: ۴۸۷/۱
 چهار ماهه: ۳۷۲/۱
 باغبان: ۴/۲
 شاهپور: ۶۲/۲
 شهرستانک: ۳۲۷/۲
 باغ: ۳۵۹/۲
 خود آمد: ۳۷۱/۲
 روشنائی: ۲۰/۳، ۲۱
 شهرنوش: ۸۳/۳
 مرزبان: ۴۱۱/۱، ۲۱۹/۳
 مرز: ۲۴۹/۳
 شهردار: ۲۶۴/۱
 چه پیام بمن موجار: ۴۴۰/۳
 دهستان: ۴۵۰/۳
 اردشیر: ۱۴۱/۱
 خداداد: ۴۸۶/۲
 خرشید (خورشید): ۴۸۸/۲
 کاغذ: ۳۲۴/۳
 شهریار: ۳۶۸/۳
 خداکرد: ۳۹۹/۳
 سرهنگ: ۲۶/۴
 مهرداری: ۳۶/۴
 مرد، نیک آمد: ۸۲/۴

○ «التنونین» و تاریخ گزیده

همانگونه که اشاره شد، کتاب التنونین نخستین کتابی است که درباره شهر قزوین، تاریخ و اخبار آن نوشته شده است و بی‌شک در آن از کوششهای قبلی و اخبار دیگران به طور حتم استفاده شده است از آن به بعد این کتاب الگو و منبعی مهم برای دیگران شد و شاید این کتاب یکی از مهمترین کتابهایی باشد که مورد استفاده تاریخ گزیده حمدالله مستوفی قرار گرفته است تا آنجا که وی (حمدالله مستوفی) یک باب از کتابش را به ذکر احوال شهر قزوین اختصاص داده است.

نویسنده تاریخ گزیده در ذکر اخبار و آثاری که در شان قزوین وارد بوده مستقیماً از رافعی قزوینی نقل می‌کند و می‌گوید: «هن الاخبار از قول رسول الله صلی الله علیه وسلم و آن به چهل و دو حدیث است سی و شش از آن احادیث از کتاب التنونین امام‌الدین رافعی، رفع الله درجته از نسخه‌ای که به خط مصنف بود نقل کرده^{۴۷} وی احادیث را بزبان عربی نقل می‌کند سپس ترجمه فارسی آن می‌آید.^{۴۸}

حمدالله مستوفی درباره تاریخ قزوین، فتح آن، مساجد و مزارات و قنوات آن و... مستقیماً از کتاب رافعی نقل کرده و اگر چه أحياناً اطلاعات را به طور خلاصه نقل و یا جایجا نموده ولی ساختار

رافعی قزوینی بعد از شصت و شش سال زندگی سرشار از جهد و علم دوستی در سال ۶۲۳ هـ. ۱۲۶۶ م. در قزوین دار فانی را وداع گفت

کتاب التدوین فی ذکر اهل العلم بقزوین قدیمی ترین کتابیست که درباره تاریخ محلی و رجال قزوین به دست ما رسیده است

این کتاب شامل شرح حال مشهورترین و معمولی ترین اهل علم و طلاب قزوین و همچنین کسانی است که از قزوین و اطراف آن عبور می کردند یا در آن سکونت داشتند اخبار آنها را همراه با سیر و حرفهای آنان ذکر کرده است

می توان گفت که موضوع اصلی کتاب التدوین، علم رجال می باشد. وی شرح حال سه هزار و چهارصد و سی و چهار تن از رجال را ذکر کرده و به اطلاعات مختلفی مانند سال تولد، سال وفات، نوشته های آنان و استادانشان و غیره اشاره کرده است

شرح حال مشایخ متصوفه در کتاب التدوین قابل ملاحظه است، بطوری که علاوه بر ذکر نام کتاب های صوفیه و تکرار واژه خانقاه بیشتر از صد و ده شرح حال وجود دارد

اصلی اطلاعات براساس کتاب رافعی قزوینی بوده و نیز اطلاعات و اخباری در مورد قزوین بعد از مرگ رافعی اضافه می کند. و این نشان از اهمیت کتاب رافعی قزوینی درباره تاریخ و اخبار و احوال قزوین دارد.^{۴۹}

باری، کتاب التدوین بر اهمیت علم رجال در پژوهشهای تاریخی به ویژه در پی گیری رجال تاریخی، اجتماعی و فرهنگی جوامع تاکید دارد در حالی که منابع دیگر تنها به مسائل سیاسی اهمیت بیشتری داده اند.

نکته مهم دیگری که در التدوین مشاهده می شود اموری است که درباره ساخت و تحولات شهر قزوین آمده و این امر بر نقش تاریخ محلی (تاریخ شهرها) تاکید می کند. اگر آن را نوعی جدید از تاریخ نگاری تعبیر کنیم، به شدت نیازمند بررسی آن و کشف محتویات و حقایق تاریخی آن که در پی گیری بسیاری از پدیده های سیاسی فرهنگی و اجتماعی تاریخ ما خالی از اهمیت نیست هستیم.

پی نوشتها:

۱- ابن هنیاه الله حسینی: طبقات الشافیهه ۸۳- ۸۴ ابن العماد: شذرات الذهب ۱۰۸/۵، ۱۰۹؛ خوانمیر: تاریخ حبیب السیر، ۳۳۲/۲؛ حافظ ذہبی: العبر فی خبر من غیر، ۹۴/۵؛ حمدالله مستوفی، تاریخ گزیده، ۸۰۳؛ رضا قلی هدایت: تذکره ریاض العارفین ۳۲۳؛ خرنزری نسوی: سیرت جلال الدین مینکبری ۲۶۲، ۲۶۳؛ ابن تهربردی: النجوم الزهره ۲۶۶/۶؛ الکتبی: فوات الوفيات، ۷/۲ - ۸ نووی: تهذیب الاسماء و اللغات، ۱۸۷/۱؛ رافعی: مرآة العجات، ۵۶/۴؛ حاجی خلیفه: کشف الظنون، ۲۲۴/۱؛ قزوینی: آثار البلاد و اخبار العباد ۵۰۸؛ درباره شرح حال رافع بن خدیج ر. ک: النووی، ابوزکریا محی الدین بن شرف (۶۷۶ هـ): تهذیب الاسماء و اللغات، صححه: شرکه العلماء، اداره الطباعة المنیریة، مصر، بی تا، ج ۱، ص ۱۸۷.

۲- رافعی، عبدالکریم محمد بن عبدالکریم بن الفضل بن الحسن القزوینی: التدوین فی اخبار قزوین، ضبطه و حقق متنه: شیخ عزیزالله عطاردی، دارالکتب العلمیه، بیروت ۱۹۸۷ و انتشارات عطارد و انجمن مخطوطات ایران، تهران، ۱۳۷۶، ج ۱، ص ۳۳۰.

۳- حمدالله مستوفی: تاریخ گزیده، به اهتمام عبدالحسن نوائی، انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۶۲، ص ۸۰۳؛ ر. ک: سبکی، تاج الدین ابی نصر عبدالوهاب بن علی بن عبدالکافی (۷۷۱ هـ): طبقات الشافیهه الکبری، تحقیق عبدالفتاح محمدالحلو و محمود محمد الطناجی، ادراجه الکتب العربیه القاهره، بی تا، ج ۸، ص ۲۸۱.

۴- رافعی، پیشین، ج ۱، ص ۳۷۲.

۵- همان، ج ۱، ص ۳۲۹.

۶- همان، ج ۱، ص ۳۳۰.

۷- همان، ج ۱، ص ۴۲۴.

۸- همان، ج ۱، ص ۳۳۵؛ ر. ک: همان، ج ۱، ص ۳۳۶ و ۳۷۷.

۹- همان، ج ۱، ص ۸ - ۳۷۷.

۱۰- همان، ص ۲۷۸ - ۴۱۴.

۱۱- همان، ج ۱، ص ۴۱۵.

۱۲- همان، ج ۴، ص ۳۴.

۱۳- همان، ج ۳، ص ۳۷۷ درباره استادان او؛ ر. ک: رافعی، ج ۳، ص ۵۹۶ (چاپ تهران).

۱۴- قزوینی، زکریا بن محمد بن محمود: آثار البلاد و اخبار العباد، ترجمه جهانگیر میرزا قاجار، تصحیح و تکمیل: میرهاشم محدث، انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۷۲، ص ۵۰۸.

۱۵- سبکی: طبقات الشافیهه ۲۸۱/۸ سبکی، پیشین، ج ۸، ص ۲۸۱.

۱۶- بطاش کیری زاده احمد بن مصطفی: مفتاح السعاده و مصباح السیاده فی موضوعات العلوم، دارالکتب العلمیه، بیروت، ۱۹۸۵، ج ۲، صص ۱۰۰ - ۱۰۲.

۱۷- سبکی: طبقات الشافیهه ۲۸۱/۸ سبکی، پیشین، ج ۸، ص ۲۸۱.

۱۸- رافعی، پیشین، ج ۳، ص ۱۶۰.

۱۹- خواند میر: تاریخ حبیب السیر، ج ۳، ص ۳۳۲.

۲۰- سبکی: پیشین، ج ۸، ص ۲۸۴. این داستان به شکل دیگر در کتاب آثار البلاد قزوینی (ص ۵۰۹) آمده است.

حال و آثار و رجال و دانشمندان قزوین، انتشارات طه، قزوین، ۱۳۶۸، ج ۲، صص ۳ - ۱۸۲.

۳۲- ر. ک: به: رافعی، پیشین، ج ۳، صص ۶۶۹ و ۶۹۴ (چاپ تهران)

۳۳- ر. ک: همان، ج ۳، ص ۱۶۱ (چاپ بیروت).

۳۴- همان، ج ۳، ص ۱۱.

۳۵- همان، ج ۳، ص ۳۴.

۳۶- رافعی، پیشین، ج ۳، ص ۲۷۳ درباره شرح حال (پدرش) ر. ک ج ۲، صص ۱۷ - ۱۶.

۳۷- همان، ج ۱، ص ۳۴۶.

۳۸- همان، ج ۳، صص ۷ - ۲۷۶.

۳۹- رافعی، پیشین، ج ۱، ص ۵۶.

۴۰- رافعی، پیشین، ج ۱، ص ۴۸.

۴۱- همان، ج ۱، ص ۴۸.

۴۲- همان، ج ۲، ص ۲۹۲.

۴۳- همان، ج ۳، ص ۳۷۷.

۴۴- رافعی، پیشین، ج ۲، صص ۱۱ - ۶۱۰ (چاپ تهران)

۴۵- همان، ج ۱، صص ۴۰۸ - ۴۱۰.

۴۶- برای توضیحات بیشتر درباره شرح حال صوفیان ر. ک التدوین

ج ۱، صص ۱۵۲، ۱۸۱، ۲۳۱، ۲۳۲، ۲۳۵، ۲۳۶، ۲۳۷، ۲۵۱، ۲۵۷، ۲۶۴، ۲۸۴، ۲۹۵، ۳۰۰، ۳۰۲، ۳۰۴، ۳۰۸، ۳۱۰، ۳۱۱، ۳۱۹، ۳۲۱، ۳۲۲، ۳۲۳، ۳۲۴، ۳۰۸، ۳۳۵، ۳۳۶، ۳۳۷، ۳۳۸، ۳۳۹، ۳۴۰، ۳۴۱، ۳۴۲، ۳۴۳، ۳۴۴، ۳۴۵، ۳۴۶، ۳۴۷، ۳۴۸، ۳۴۹، ۳۵۰، ۳۵۱، ۳۵۲، ۳۵۳، ۳۵۴، ۳۵۵، ۳۵۶، ۳۵۷، ۳۵۸، ۳۵۹، ۳۶۰، ۳۶۱، ۳۶۲، ۳۶۳، ۳۶۴، ۳۶۵، ۳۶۶، ۳۶۷، ۳۶۸، ۳۶۹، ۳۷۰، ۳۷۱، ۳۷۲، ۳۷۳، ۳۷۴، ۳۷۵، ۳۷۶، ۳۷۷، ۳۷۸، ۳۷۹، ۳۸۰، ۳۸۱، ۳۸۲، ۳۸۳، ۳۸۴، ۳۸۵، ۳۸۶، ۳۸۷، ۳۸۸، ۳۸۹، ۳۹۰، ۳۹۱، ۳۹۲، ۳۹۳، ۳۹۴، ۳۹۵، ۳۹۶، ۳۹۷، ۳۹۸، ۳۹۹، ۴۰۰، ۴۰۱، ۴۰۲، ۴۰۳، ۴۰۴، ۴۰۵، ۴۰۶، ۴۰۷، ۴۰۸، ۴۰۹، ۴۱۰، ۴۱۱، ۴۱۲، ۴۱۳، ۴۱۴، ۴۱۵، ۴۱۶، ۴۱۷، ۴۱۸، ۴۱۹، ۴۲۰، ۴۲۱، ۴۲۲، ۴۲۳، ۴۲۴، ۴۲۵، ۴۲۶، ۴۲۷، ۴۲۸، ۴۲۹، ۴۳۰، ۴۳۱، ۴۳۲، ۴۳۳، ۴۳۴، ۴۳۵، ۴۳۶، ۴۳۷، ۴۳۸، ۴۳۹، ۴۴۰، ۴۴۱، ۴۴۲، ۴۴۳، ۴۴۴، ۴۴۵، ۴۴۶، ۴۴۷، ۴۴۸، ۴۴۹، ۴۵۰، ۴۵۱، ۴۵۲، ۴۵۳، ۴۵۴، ۴۵۵، ۴۵۶، ۴۵۷، ۴۵۸، ۴۵۹، ۴۶۰، ۴۶۱، ۴۶۲، ۴۶۳، ۴۶۴، ۴۶۵، ۴۶۶، ۴۶۷، ۴۶۸، ۴۶۹، ۴۷۰، ۴۷۱، ۴۷۲، ۴۷۳، ۴۷۴، ۴۷۵، ۴۷۶، ۴۷۷، ۴۷۸، ۴۷۹، ۴۸۰، ۴۸۱، ۴۸۲، ۴۸۳، ۴۸۴، ۴۸۵، ۴۸۶، ۴۸۷، ۴۸۸، ۴۸۹، ۴۹۰، ۴۹۱، ۴۹۲، ۴۹۳، ۴۹۴، ۴۹۵، ۴۹۶، ۴۹۷، ۴۹۸، ۴۹۹، ۵۰۰، ۵۰۱، ۵۰۲، ۵۰۳، ۵۰۴، ۵۰۵، ۵۰۶، ۵۰۷، ۵۰۸، ۵۰۹، ۵۱۰، ۵۱۱، ۵۱۲، ۵۱۳، ۵۱۴، ۵۱۵، ۵۱۶، ۵۱۷، ۵۱۸، ۵۱۹، ۵۲۰، ۵۲۱، ۵۲۲، ۵۲۳، ۵۲۴، ۵۲۵، ۵۲۶، ۵۲۷، ۵۲۸، ۵۲۹، ۵۳۰، ۵۳۱، ۵۳۲، ۵۳۳، ۵۳۴، ۵۳۵، ۵۳۶، ۵۳۷، ۵۳۸، ۵۳۹، ۵۴۰، ۵۴۱، ۵۴۲، ۵۴۳، ۵۴۴، ۵۴۵، ۵۴۶، ۵۴۷، ۵۴۸، ۵۴۹، ۵۵۰، ۵۵۱، ۵۵۲، ۵۵۳، ۵۵۴، ۵۵۵، ۵۵۶، ۵۵۷، ۵۵۸، ۵۵۹، ۵۶۰، ۵۶۱، ۵۶۲، ۵۶۳، ۵۶۴، ۵۶۵، ۵۶۶، ۵۶۷، ۵۶۸، ۵۶۹، ۵۷۰، ۵۷۱، ۵۷۲، ۵۷۳، ۵۷۴، ۵۷۵، ۵۷۶، ۵۷۷، ۵۷۸، ۵۷۹، ۵۸۰، ۵۸۱، ۵۸۲، ۵۸۳، ۵۸۴، ۵۸۵، ۵۸۶، ۵۸۷، ۵۸۸، ۵۸۹، ۵۹۰، ۵۹۱، ۵۹۲، ۵۹۳، ۵۹۴، ۵۹۵، ۵۹۶، ۵۹۷، ۵۹۸، ۵۹۹، ۶۰۰، ۶۰۱، ۶۰۲، ۶۰۳، ۶۰۴، ۶۰۵، ۶۰۶، ۶۰۷، ۶۰۸، ۶۰۹، ۶۱۰، ۶۱۱، ۶۱۲، ۶۱۳، ۶۱۴، ۶۱۵، ۶۱۶، ۶۱۷، ۶۱۸، ۶۱۹، ۶۲۰، ۶۲۱، ۶۲۲، ۶۲۳، ۶۲۴، ۶۲۵، ۶۲۶، ۶۲۷، ۶۲۸، ۶۲۹، ۶۳۰، ۶۳۱، ۶۳۲، ۶۳۳، ۶۳۴، ۶۳۵، ۶۳۶، ۶۳۷، ۶۳۸، ۶۳۹، ۶۴۰، ۶۴۱، ۶۴۲، ۶۴۳، ۶۴۴، ۶۴۵، ۶۴۶، ۶۴۷، ۶۴۸، ۶۴۹، ۶۵۰، ۶۵۱، ۶۵۲، ۶۵۳، ۶۵۴، ۶۵۵، ۶۵۶، ۶۵۷، ۶۵۸، ۶۵۹، ۶۶۰، ۶۶۱، ۶۶۲، ۶۶۳، ۶۶۴، ۶۶۵، ۶۶۶، ۶۶۷، ۶۶۸، ۶۶۹، ۶۷۰، ۶۷۱، ۶۷۲، ۶۷۳، ۶۷۴، ۶۷۵، ۶۷۶، ۶۷۷، ۶۷۸، ۶۷۹، ۶۸۰، ۶۸۱، ۶۸۲، ۶۸۳، ۶۸۴، ۶۸۵، ۶۸۶، ۶۸۷، ۶۸۸، ۶۸۹، ۶۹۰، ۶۹۱، ۶۹۲، ۶۹۳، ۶۹۴، ۶۹۵، ۶۹۶، ۶۹۷، ۶۹۸، ۶۹۹، ۷۰۰، ۷۰۱، ۷۰۲، ۷۰۳، ۷۰۴، ۷۰۵، ۷۰۶، ۷۰۷، ۷۰۸، ۷۰۹، ۷۱۰، ۷۱۱، ۷۱۲، ۷۱۳، ۷۱۴، ۷۱۵، ۷۱۶، ۷۱۷، ۷۱۸، ۷۱۹، ۷۲۰، ۷۲۱، ۷۲۲، ۷۲۳، ۷۲۴، ۷۲۵، ۷۲۶، ۷۲۷، ۷۲۸، ۷۲۹، ۷۳۰، ۷۳۱، ۷۳۲، ۷۳۳، ۷۳۴، ۷۳۵، ۷۳۶، ۷۳۷، ۷۳۸، ۷۳۹، ۷۴۰، ۷۴۱، ۷۴۲، ۷۴۳، ۷۴۴، ۷۴۵، ۷۴۶، ۷۴۷، ۷۴۸، ۷۴۹، ۷۵۰، ۷۵۱، ۷۵۲، ۷۵۳، ۷۵۴، ۷۵۵، ۷۵۶، ۷۵۷، ۷۵۸، ۷۵۹، ۷۶۰، ۷۶۱، ۷۶۲، ۷۶۳، ۷۶۴، ۷۶۵، ۷۶۶، ۷۶۷، ۷۶۸، ۷۶۹، ۷۷۰، ۷۷۱، ۷۷۲، ۷۷۳، ۷۷۴، ۷۷۵، ۷۷۶، ۷۷۷، ۷۷۸، ۷۷۹، ۷۸۰، ۷۸۱، ۷۸۲، ۷۸۳، ۷۸۴، ۷۸۵، ۷۸۶، ۷۸۷، ۷۸۸، ۷۸۹، ۷۹۰، ۷۹۱، ۷۹۲، ۷۹۳، ۷۹۴، ۷۹۵، ۷۹۶، ۷۹۷، ۷۹۸، ۷۹۹، ۸۰۰، ۸۰۱، ۸۰۲، ۸۰۳، ۸۰۴، ۸۰۵، ۸۰۶، ۸۰۷، ۸۰۸، ۸۰۹، ۸۱۰، ۸۱۱، ۸۱۲، ۸۱۳، ۸۱۴، ۸۱۵، ۸۱۶، ۸۱۷، ۸۱۸، ۸۱۹، ۸۲۰، ۸۲۱، ۸۲۲، ۸۲۳، ۸۲۴، ۸۲۵، ۸۲۶، ۸۲۷، ۸۲۸، ۸۲۹، ۸۳۰، ۸۳۱، ۸۳۲، ۸۳۳، ۸۳۴، ۸۳۵، ۸۳۶، ۸۳۷، ۸۳۸، ۸۳۹، ۸۴۰، ۸۴۱، ۸۴۲، ۸۴۳، ۸۴۴، ۸۴۵، ۸۴۶، ۸۴۷، ۸۴۸، ۸۴۹، ۸۵۰، ۸۵۱، ۸۵۲، ۸۵۳، ۸۵۴، ۸۵۵، ۸۵۶، ۸۵۷، ۸۵۸، ۸۵۹، ۸۶۰، ۸۶۱، ۸۶۲، ۸۶۳، ۸۶۴، ۸۶۵، ۸۶۶، ۸۶۷، ۸۶۸، ۸۶۹، ۸۷۰، ۸۷۱، ۸۷۲، ۸۷۳، ۸۷۴، ۸۷۵، ۸۷۶، ۸۷۷، ۸۷۸، ۸۷۹، ۸۸۰، ۸۸۱، ۸۸۲، ۸۸۳، ۸۸۴، ۸۸۵، ۸۸۶، ۸۸۷، ۸۸۸، ۸۸۹، ۸۹۰، ۸۹۱، ۸۹۲، ۸۹۳، ۸۹۴، ۸۹۵، ۸۹۶، ۸۹۷، ۸۹۸، ۸۹۹، ۹۰۰، ۹۰۱، ۹۰۲، ۹۰۳، ۹۰۴، ۹۰۵، ۹۰۶، ۹۰۷، ۹۰۸، ۹۰۹، ۹۱۰، ۹۱۱، ۹۱۲، ۹۱۳، ۹۱۴، ۹۱۵، ۹۱۶، ۹۱۷، ۹۱۸، ۹۱۹، ۹۲۰، ۹۲۱، ۹۲۲، ۹۲۳، ۹۲۴، ۹۲۵، ۹۲۶، ۹۲۷، ۹۲۸، ۹۲۹، ۹۳۰، ۹۳۱، ۹۳۲، ۹۳۳، ۹۳۴، ۹۳۵، ۹۳۶، ۹۳۷، ۹۳۸، ۹۳۹، ۹۴۰، ۹۴۱، ۹۴۲، ۹۴۳، ۹۴۴، ۹۴۵، ۹۴۶، ۹۴۷، ۹۴۸، ۹۴۹، ۹۵۰، ۹۵۱، ۹۵۲، ۹۵۳، ۹۵۴، ۹۵۵، ۹۵۶، ۹۵۷، ۹۵۸، ۹۵۹، ۹۶۰، ۹۶۱، ۹۶۲، ۹۶۳، ۹۶۴، ۹۶۵، ۹۶۶، ۹۶۷، ۹۶۸، ۹۶۹، ۹۷۰، ۹۷۱، ۹۷۲، ۹۷۳، ۹۷۴، ۹۷۵، ۹۷۶، ۹۷۷، ۹۷۸، ۹۷۹، ۹۸۰، ۹۸۱، ۹۸۲، ۹۸۳، ۹۸۴، ۹۸۵، ۹۸۶، ۹۸۷، ۹۸۸، ۹۸۹، ۹۹۰، ۹۹۱، ۹۹۲، ۹۹۳، ۹۹۴، ۹۹۵، ۹۹۶، ۹۹۷، ۹۹۸، ۹۹۹، ۱۰۰۰، ۱۰۰۱، ۱۰۰۲، ۱۰۰۳، ۱۰۰۴، ۱۰۰۵، ۱۰۰۶، ۱۰۰۷، ۱۰۰۸، ۱۰۰۹، ۱۰۱۰، ۱۰۱۱، ۱۰۱۲، ۱۰۱۳، ۱۰۱۴، ۱۰۱۵، ۱۰۱۶، ۱۰۱۷، ۱۰۱۸، ۱۰۱۹، ۱۰۲۰، ۱۰۲۱، ۱۰۲۲، ۱۰۲۳، ۱۰۲۴، ۱۰۲۵، ۱۰۲۶، ۱۰۲۷، ۱۰۲۸، ۱۰۲۹، ۱۰۳۰، ۱۰۳۱، ۱۰۳۲، ۱۰۳۳، ۱۰۳۴، ۱۰۳۵، ۱۰۳۶، ۱۰۳۷، ۱۰۳۸، ۱۰۳۹، ۱۰۴۰، ۱۰۴۱، ۱۰۴۲، ۱۰۴۳، ۱۰۴۴، ۱۰۴۵، ۱۰۴۶، ۱۰۴۷، ۱۰۴۸، ۱۰۴۹، ۱۰۵۰، ۱۰۵۱، ۱۰۵۲، ۱۰۵۳، ۱۰۵۴، ۱۰۵۵، ۱۰۵۶، ۱۰۵۷، ۱۰۵۸، ۱۰۵۹، ۱۰۶۰، ۱۰۶۱، ۱۰۶۲، ۱۰۶۳، ۱۰۶۴، ۱۰۶۵، ۱۰۶۶، ۱۰۶۷، ۱۰۶۸، ۱۰۶۹، ۱۰۷۰، ۱۰۷۱، ۱۰۷۲، ۱۰۷۳، ۱۰۷۴، ۱۰۷۵، ۱۰۷۶، ۱۰۷۷، ۱۰۷۸، ۱۰۷۹، ۱۰۸۰، ۱۰۸۱، ۱۰۸۲، ۱۰۸۳، ۱۰۸۴، ۱۰۸۵، ۱۰۸۶، ۱۰۸۷، ۱۰۸۸، ۱۰۸۹، ۱۰۹۰، ۱۰۹۱، ۱۰۹۲، ۱۰۹۳، ۱۰۹۴، ۱۰۹۵، ۱۰۹۶، ۱۰۹۷، ۱۰۹۸، ۱۰۹۹، ۱۱۰۰، ۱۱۰۱، ۱۱۰۲، ۱۱۰۳، ۱۱۰۴، ۱۱۰۵، ۱۱۰۶، ۱۱۰۷، ۱۱۰۸، ۱۱۰۹، ۱۱۱۰، ۱۱۱۱، ۱۱۱۲، ۱۱۱۳، ۱۱۱۴، ۱۱۱۵، ۱۱۱۶، ۱۱۱۷، ۱۱۱۸، ۱۱۱۹، ۱۱۲۰، ۱۱۲۱، ۱۱۲۲، ۱۱۲۳، ۱۱۲۴، ۱۱۲۵، ۱۱۲۶، ۱۱۲۷، ۱۱۲۸، ۱۱۲۹، ۱۱۳۰، ۱۱۳۱، ۱۱۳۲، ۱۱۳۳، ۱۱۳۴، ۱۱۳۵، ۱۱۳۶، ۱۱۳۷، ۱۱۳۸، ۱۱۳۹، ۱۱۴۰، ۱۱۴۱، ۱۱۴۲، ۱۱۴۳، ۱۱۴۴، ۱۱۴۵، ۱۱۴۶، ۱۱۴۷، ۱۱۴۸، ۱۱۴۹، ۱۱۵۰، ۱۱۵۱، ۱۱۵۲، ۱۱۵۳، ۱۱۵۴، ۱۱۵۵، ۱۱۵۶، ۱۱۵۷، ۱۱۵۸، ۱۱۵۹، ۱۱۶۰، ۱۱۶۱، ۱۱۶۲، ۱۱۶۳، ۱۱۶۴، ۱۱۶۵، ۱۱۶۶، ۱۱۶۷، ۱۱۶۸، ۱۱۶۹، ۱۱۷۰، ۱۱۷۱، ۱۱۷۲، ۱۱۷۳، ۱۱۷۴، ۱۱۷۵، ۱۱۷۶، ۱۱۷۷، ۱۱۷۸، ۱۱۷۹، ۱۱۸۰، ۱۱۸۱، ۱۱۸۲، ۱۱۸۳، ۱۱۸۴، ۱۱۸۵، ۱۱۸۶، ۱۱۸۷، ۱۱۸۸، ۱۱۸۹، ۱۱۹۰، ۱۱۹۱، ۱۱۹۲، ۱۱۹۳، ۱۱۹۴، ۱۱۹۵، ۱۱۹۶، ۱۱۹۷، ۱۱۹۸، ۱۱۹۹، ۱۲۰۰، ۱۲۰۱، ۱۲۰۲، ۱۲۰۳، ۱۲۰۴، ۱۲۰۵، ۱۲۰۶، ۱۲۰۷، ۱۲۰۸، ۱۲۰۹، ۱۲۱۰، ۱۲۱۱، ۱۲۱۲، ۱۲۱۳، ۱۲۱۴، ۱۲۱۵، ۱۲۱۶، ۱۲۱۷، ۱۲۱۸، ۱۲۱۹، ۱۲۲۰، ۱۲۲۱، ۱۲۲۲، ۱۲۲۳، ۱۲۲۴، ۱۲۲۵، ۱۲۲۶، ۱۲۲۷، ۱۲۲۸، ۱۲۲۹، ۱۲۳۰، ۱۲۳۱، ۱۲۳۲، ۱۲۳۳، ۱۲۳۴، ۱۲۳۵، ۱۲۳۶، ۱۲۳۷، ۱۲۳۸، ۱۲۳۹، ۱۲۴۰، ۱۲۴۱، ۱۲۴۲، ۱۲۴۳، ۱۲۴۴، ۱۲۴۵، ۱۲۴۶، ۱۲۴۷، ۱۲۴۸، ۱۲۴۹، ۱۲۵۰، ۱۲۵۱، ۱۲۵۲، ۱۲۵۳، ۱۲۵۴، ۱۲۵۵، ۱۲۵۶، ۱۲۵۷، ۱۲۵۸، ۱۲۵۹، ۱۲۶۰، ۱۲۶۱، ۱۲۶۲، ۱۲۶۳، ۱۲۶۴، ۱۲۶۵، ۱۲۶۶، ۱۲۶۷، ۱۲۶۸، ۱۲۶۹، ۱۲۷۰، ۱۲۷۱، ۱۲۷۲، ۱۲۷۳، ۱۲۷۴، ۱۲۷۵، ۱۲۷۶، ۱۲۷۷، ۱۲۷۸، ۱۲۷۹، ۱۲۸۰، ۱۲۸۱، ۱۲۸۲، ۱۲۸۳، ۱۲۸۴، ۱۲۸۵، ۱۲۸۶، ۱۲۸۷، ۱۲۸۸، ۱۲۸۹، ۱۲۹۰، ۱۲۹۱، ۱۲۹۲، ۱۲۹۳، ۱۲۹۴